

ترجمه‌نویسان و نظریه پردازان ترجمه به چند گروه تقسیم می‌شوند:

۱. متن محوران

این گروه متن را محور قرار می‌دهند و معنای لغوی واژگان و جملات را به خوانندگان اثر خویش انتقال می‌دهند. این گونه ترجمه در بسیاری از ترجمه‌های گذشته و حال وجود دارد تا آن جا که گاه مترجم با اطمینان به اینکه معنای ظاهری متن مراد نویسنده نیست در برگردان خود معنای ظاهری را می‌آورد.

۲. مؤلف محوران

شماری از نظریه پردازان ترجمه و مترجمان، در پی انتقال پیام و مراد مؤلف متن هستند و به الفاظ و واژگان متن به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به مراد نگاه می‌کنند. بر این اساس هر گاه با نگاه درون متنی یا برون متنی شاهی بر مراد خدا بیابند از معنای لغوی می‌گذرند و آنچه را به عنوان مراد شناخته‌اند در ترجمه می‌آورند.

لورنس‌هامفری به عنوان یک نویسنده محور می‌گوید:

«مترجم باید بتواند موضوع، سبک و ویژگی‌های متن را درک نماید و به درکی کامل از نویسنده برسد و شناختی کافی از شیوه‌ای که نویسنده به کار برده است داشته باشد»^۱

در نظریه جرج چاپمن (۱۶۳۴-۱۵۵۹) نیز نشانه‌های از نویسنده محوری دیده می‌شود:

«مترجم موفق کسی است که نه تنها از احساس ادبی نویسنده در خلق و آفرینش اثری که عرضه داشته است آگاهی کافی و وافی داشته باشد بلکه باید به درک و جذب آن نیز نایل گردیده و به یک استنباط جامع و منطقی برسد... در نظر او ترجمه موفق یک متن وقتی میسر است که مترجم پا را از حد آشنایی با متنی که در ترجمه وجود دارد بیرون نهاده و به اندیشه هنری نویسنده وقوف یابد»^۲

جان درایدن نظریه پرداز برجسته ترجمه در قرن هفدهم میلادی نیز آشنایی با افکار و عقاید نویسنده را ضروری می‌خواند و آگاهی از ویژگی‌های اخلاقی و فردی نویسنده را لازم می‌شناسد:

«۲. مترجم باید با افکار و عقاید نویسنده آشنا باشد.

۳. مترجم باید بر ویژگی‌های خلقی و فردی نویسنده وقوف داشته باشد.»^۳
خوانندگان ترجمه نیز در عصر رنسانس از مترجمان انتظار انعکاس مقاصد حضرت عیسی‌علیه السلام را داشتند:

«خوانندگان خواستار آن شدند که مترجم منظور و مقصود اصلی حضرت عیسی‌علیه السلام را عرضه دارد و نه کلمات و عبارات مهجور و الفاظ مجوف متون قدیمی را»^۴

در سده نوزدهم نه تنها آشنایی با سبک نویسنده و احساس او ضروری خوانده شد، بلکه مترجمان متمایل به پیروی از سبک نویسنده در ترجمه خود شدند. جان کبل (۱۹۱۸) می‌گوید:

«مترجم باید سبک نویسنده را بشناسد و بتواند آن را در نوشتار خود تقلید و باز آفرینی کند و از سویی به موضوع و زمینه متن آشنایی داشته و احساس مؤلف را درک کند»^۵

جان پوست گیت (۱۹۲۲) نیز در انواع ترجمه از ترجمه مبدأ گرا که ویژگی‌های نویسنده را مد نظر قرار می‌دهد سخن می‌گوید.

همو در تقسیم مترجمان، از مترجمان نویسنده گرا که بیشتر به طیب خاطر و رضایت نویسنده نظر دارند سخن می‌گوید.

لئو نارد فاستر (۱۹۸۵) نیز در تبیین و توضیح ویژگی‌های مترجم، از لزوم آشنایی مترجم با نویسنده متن و هدف او از ارائه متن و آشنایی با وسایل شیوه‌های او در تحقق بخشی به متن می‌گوید.^۶

پیتر نیو مارک (۱۹۸۱) شناخت مراد نویسنده را برای مترجم لازم می‌داند.

۳. مخاطب محوران

شمار دیگری از مترجمان و نظریه پردازان ترجمه، مخاطب ترجمه را ملاک ترجمه می‌دانند؛ در باور ایشان، مترجم باید خواسته مخاطبان ترجمه خود را در نظر گیرد و متن را برابر با خواسته‌های ایشان ترجمه کند.

برای نمونه کارکرد گرایان، در ترجمه متون، بیشتر مخاطب محورند. آنان متن را به گونه ای ترجمه می‌کنند که نقش یا کارکرد خود را در زبان مقصد نشان دهد.

کارتارنیا آغازگر مکتب کارکرد گرایي در ترجمه از مرزها و محدودیت‌های زبانی و فرهنگی فراتر می‌رود تا بتواند ترجمه ای عرضه کند که در فرهنگ مقصد کارکردی مشابه کارکرد متن اصلی در فرهنگ مبدأ داشته باشد.

ترجمه قرآن و متن محوری میراث ماندگار مترجمان قرآن، نشان از گرایش ترجمه نویسان قرآن به متن محوری دارد. ایشان در برگردان آیات بیشتر برابر یابی می‌کنند و با انتخاب شیوه تحت‌اللفظی، از گرایش خود به متن محوری پرده برمی‌دارند. ترجمه نویسان سده‌های نخست اسلام، متأثر از خرده گیری‌های نظریه پردازان ترجمه و مخالفت فقها دست به عصا ترجمه می‌کردند و با وسواس غیر منطقی خود تنها برابریابی می‌کردند و شکل و قالب متن مبدأ را به هم نمی‌ریختند. به باور این مترجمان، ترجمه ای که بهترین برابرها را در برابر هر واژه زبان مبدأ بیاورد ترجمه قابل قبول شناخته می‌شود.

بر این اساس ابومظفر شاهفور بن طاهر بن محمد اسفراینی (۴۷۱ ه. ق) آیات را ترجمه تحت اللفظی می‌کند و واژگان زبان مقصد را در قالب دستوری زبان مبدأ می‌ریزد. او در ترجمه آیه شریفه «و إن ختم الّا تقسطوا فی الیتامی» (نساء/۳) می‌نویسد:

«و اگر ترسید که عدل نکنید اندر نکاح یتیمان، بزنی کنید آنچه حلال کرده اند شما را از زنان دو گانه و سه گانه و چهار گانه پس اگر ترسید که عدل نکنید میان چهار، یک بخواهید».

اسفراینی در این ترجمه «و» را در برابر «و» و «اگر» را در برابر «ان» و «ترسید را» در برابر «خفتم» و... گذاشته است و از نهادن مترادفات در قالب دستور زبان فارسی سرباز زده است.

ابوبکر عتیق نیشابوری (۴۹۴ ه. ق) ، ابوالفضل رشید الدین میبیدی (۵۲۰ ه. ق) امام ابو حفص نجم الدین عمر بن محمد نسفی (۵۳۸ ه. ق)، ابوعلی بن الحسن بن محمد بن الحسن الخطیب از مترجمان قرن ششم و شیخ ابوالفتوح رازی از قرآن پژوهان قرن ششم و... و از مترجمان معاصر مصباح زاده، اشرفی، تبریزی، سراج و یاسری نیز به همین شکل و در همین قالب آیه یاد شده و دیگر آیات قرآن را برگردان می‌کنند.

در برابر این گروه از مترجمان، شماری از ترجمه نویسان معاصر به شکل تکامل یافته تری از ترجمه تحت اللفظی برگردان می‌کنند. این گروه مانند پیشینیان برابر سازی می‌کنند اما واژگان زبان مقصد را در قالب دستور زبان مقصد می‌ریزند و از تغییر شکل متن مبدأ نگران نیستند.

افزون بر مترجمان قرآن، شماری از اندیشمندان جهان اسلام نیز در ترجمه آیات از شیوه تحت اللفظی بهره می‌برند و برابرها را در قالب دستور زبان عربی می‌آورند. برای نمونه برگردان ناصر خسرو و خواجه نصیر الدین طوسی از برخی آیات، تحت اللفظی است.

شیوه مترجمان قرآن در برگردان آیات وحی حکایت‌گر هدف ایشان از ترجمه است. مترجمانی که از ترجمه تحت اللفظی بهره می‌برند، بیشتر متن محور دیده می‌شوند؛ چه اینکه در برگردان خود به مخاطبان ترجمه و هم چنین به مراد پدید آورنده قرآن که این کتاب را برای فهم و درک و هدایت تمام انسان‌ها به وجود آورده است، توجه نمی‌کنند و با محور قرار دادن متن برگردان، آیات را تنها در قالب زبان مبدأ می‌آورند و به اصطلاح آیات را ترجمه تحت اللفظی می‌کنند.

از سویی دیگر در میان همین گروه، مترجمانی وجود دارند که در برابر سازی مؤلف محور نشان می‌دهند و برابرها و واژگان و جملاتی می‌آورند که بیشتر، مراد و مقصود پدید آورنده قرآن یا توضیح این مراد است.

برای نمونه ابوبکر عتیق نیشابوری در برگردان آیات از شیوه تحت اللفظی بهره می‌برد. در شکل و ساختار ترجمه متن محور است و در برابر یابی در مواردی به دنبال انتقال پیام و مراد خدا است.

برای نمونه در ترجمه آیه «ذلک الکتاب لاریب فیه هدی للمتقین» (بقره/۲) می‌نویسد: این کتاب جای شک نیست باز خواندنی و راه نمودنی و هویدایی است بر پرهیزگاران را از کفر و شرک و معاصی.

نیشابوری نیز در ترجمه، مرجع ضمائر و مصادیق را می‌آورد؛ برای نمونه در ترجمه «بما انزل الیک و ما انزل من قبلک» (بقره /۴) واژه «الیک» را «سوی تو یا محمد» ترجمه می‌کند و کلمه «ما» را به «تورات و انجیل و دیگر کتاب‌های پیامبران» برگردان می‌کند.

در قرآن معروف به قرآن ری نیز مترجم به زعم خویش مراد خداوند را می آورد. او در ترجمه «و ان خفتم الا تقسطوا فی الیتامی» (نساء/۳) عبارت «فی الیتامی» را به «در مال یتیمان» برگردان می کند.

در میان مترجمان معاصر نیز برخی از مترجمان در پی انتقال مراد خدا هستند و ناسازگار با پیشینیان که به ندرت به مراد خداوند و توضیح آیه می پرداختند و در همین موارد نیز مراد، مصداق یا توضیح را داخل متن می آوردند.

این عده مصداق و مراد را داخل پرانتز، قلاب و دو خط فاصله می آورند. برای نمونه آیه الله مکارم در ترجمه آیه «فَلَاتَتَّخِذُوا مِنْهُمْ اَوْلِیَاءَ حَتّٰی یُهَاجِرُوا فِی سَبِیْلِ اللّٰهِ فَاَنْ تَوَلَّوْا فِخْذِهِمْ وَ اَقْتُلُوْهُمْ» (نساء/۸۹) می نویسد: «از آنها دوستانی انتخاب نکنید، مگر اینکه (توبه کنند، و (در راه خدا هجرت نمایند. هر گاه از این کار سرباز زنند،) و به اقدام بر ضد شما ادامه دهند (هر جا آنها را یافتید اسیر کنید! و) در صورت احساس خطر (به قتل برسانید.»

جلال الدین مجتوی نیز در ترجمه «و لَمَّا اَصَابَتْكُمْ مَّصِیْبَةٌ قَدْ اَصَبْتُمْ مَثَلِیْهَا قَلْتُمْ اَنْتَیْ هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اَنْفُسِكُمْ اِنَّ اللّٰهَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ» (آل عمران/۱۶۵) یک مؤلف محور جلوه می کند و توضیحاتی را در میان دو خط فاصله و قلاب می آورد:

«و آیا چون آسیبی به شما رسد که دو چندانش را - در جنگ بدر - [به دشمن] رسانده بودید می گوید: این از کجاست؟ بگو به آن از سوی خودتان است - که بر خلاف قرآن پروردگار سنگر را رها کردید- همانا خدا بر همه چیز تواناست»

در میان مترجمان معاصر برخی بیشترین توجه را به مراد و مقصود پدید آورنده قرآن دارند و از پرانتزها و قلابها و خط فاصله های بسیار بهره می برند و شماری مؤلف محوری کمتری دارند و بعضی اصلاً متمایل به مؤلف محوری نیستند؛ برای نمونه فیض الاسلام، الهی قمشه ای، مکارم شیرازی و... بیشترین مؤلف محوری را از خود بروز می دهند به گونه ای که در ترجمه فیض الاسلام یک آیه تقریباً سه سطر در حدود بیست سطر ترجمه دارد.

مترجمان قرآن با انبوهی از باورها و اعتقادات به ترجمه آیات روی آورده اند. شماری از ایشان در ترجمه از باورهای خود سود برده و از آیات برگردانی سازگار با باور خود عرضه می کنند و عده ای دیگر باورهای خود را در ترجمه دخالت نمی دهند. بر این اساس تفاوتی اساسی میان برگردان مترجمان دیده می شود.

برخی در برگردان آیاتی که سازگار با افکار ایشان می نماید هیچ گونه تصرفی انجام نمی دهند و آیه را همان گونه که هست برگردان می کنند. نمونه نخست

برای نمونه در برگردان آیه «جوهٌ یومئذٍ ناضرة. اِلی رَبِّهَا نَاطِرَةٌ» (قیامه/۲۲ و ۲۳) مترجمان اهل سنت متن محور می نمایند. میبدی می نویسد: «بخداوند خویش نگران». نیشابوری، اسفراینی، و نسفی نیز چون میبدی ترجمه می کنند و میان باور خود و ظاهر آیه هیچ گونه ناسازگاری نمی بینند. در برابر ایشان، مترجمان شیعه از افکار خود در ترجمه بهره می برند. برخی در ترجمه عبارت «به سوی» را اضافه می کنند، شماری داخل پرانتز یا قلاب یا دو خط فاصله واژه پاداش، رحمت، مهربانی و نعمت را می آورند و برخی افراط کرده و در ترجمه می نویسند: «و به چشم قلب جمال حق را مشاهده می کنند.»

نمونه دوم

مسعود انصاری از مترجمان اهل سنت در ترجمه آیه شریفه «لِکُمْ اَنْتُمْ و رسولُه... و یؤتون الزکاة و هم راکعون» (مائده/۵) از باور خویش سود می برد و تحت تأثیر این باور «راکعون» را به فروتنی معنا می کند در صورتی که مترجمان شیعه و بسیاری از دیگر مترجمان اهل سنت چون اسفراینی، میبدی، و... «راکعون» را رکوع کنندگان ترجمه می کنند.

نمونه سوم

مترجمان اهل سنت از آن جهت که تنها عصمت پیامبران از گناهان کبیره را باور دارند و عصمت از صغایر را معتقد نیستند، در ترجمه آیه شریفه «لیغفر لک الله ما تقدم من ذنبک» (فتح/۲) هیچ گونه تصرفی انجام نمی دهند و «ذنب» در آیه را گناهان صغیره پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم معرفی می کنند. میبدی ترجمه می کند:

«تک الله بیامرزد تو را هر چه گذشت از گناه تو و هر چه با پس ماند.»
سور آبادی برگردان می کند:

«تا پیامرزد خدا تو را یا محمد آنچه از پیش آن بود از گناه تو و آنچه از پس بود».

دیگر مترجمان اهل سنت نیز مانند این گروه ترجمه می‌کنند. در برابر این مترجمان سنی، شماری از ترجمه نویسندگان شیعه که عصمت پیامبران از صغیر و کبائر را باور دارند برگردانی سازگار با باورهای خویش از آیه عرضه می‌دارند و تعدادی دیگر افکار خود را در ترجمه دخالت نمی‌دهند و آیه را چونان مترجمان اهل سنت ترجمه می‌کنند. برای نمونه ابوالفتوح رازی در شمار مترجمانی قرار دارد که از افکار و باورهای خود در ترجمه سود نمی‌برد. او هر چند در مقام تفسیر از عصمت پیامبران دفاع می‌کند و آیه را مقدر نه محقق می‌خواند: «آیه محقق نیست بلکه مقدر است»، اما در ترجمه از این باور خود سود نمی‌برد و بدون هیچ گونه تصرفی در برگردان آیه می‌نویسد:

«تا پیامرزد تو را خدای آنچه در پیش افتاد از گناه تو و آنچه با پس افتاد و تمام کند نعمتش را بر تو و راه نماید تو را به راه راست».

در برابر کسانی چون ابوالفتوح، برخی از مترجمان مانند آقای خرمشاهی، کاویانپور، قمشاهی، فیض الاسلام، مجتبوی، سراج، و مکارم شیرازی با تأثر از باورهای خویش آیه را به ترجمه می‌نشینند.

آقای خرمشاهی و کاویانپور گناه را به پیروان و امت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نسبت می‌دهند و در متن ترجمه واژه «امت» یا «پیروان» را اضافه می‌کنند.

و آقای قمشاهی، فیض الاسلام و مجتبوی در داخل پرانتز نظریه تفسیر نویسندگان را درباره عصمت پیامبر می‌آورند.

و شماری چون سراج و مکارم شیرازی در برگردان می‌آورند:

«کاری که مشرکین آن را گناه می‌دانند، به تو نسبت می‌دادند».

ترجمه نویسانی که از باورهای خویش در ترجمه سود می‌برند، در ترجمه تمامی آیات چنین مبنايي ندارند. در مواردی از باور خود در ترجمه سود می‌برند و با اصل قرار دادن آن آیه را برابر با اندیشه خود برگردان می‌کنند و در مواردی نیز از دخالت افکار خویش در عملیات ترجمه می‌گیرند.

برای نمونه در مورد آیات خداشناسی برخی مترجمان در ترجمه آیه شریفه «يد الله فوق ایدیهیم» (فتح/۱۰) «ید» را به دست ترجمه می‌کنند. اما همین عده در ترجمه آیاتی چون *كفلك يضل الله الكافرين* (غافر/۷۴)، *فيضل الله من يشاء و يهدي من يشاء* (ابراهيم/۴)، و *يضل الله الظالمين* (ابراهيم/۲۷) و «الآن خفف الله عنكم و علم أن فيكم ضعفاً» (انفال/۶۶) از اعتقادات خود بهره نمی‌گیرند.

چنان که برخی از مترجمان مانند آقایان: مکارم، سراج، خواجوی، کاویانپور، مجتبوی، پورجوادی، فولادوند، نسفی و... در ترجمه آیه شریفه «جاء ربك و الملك صفأ صفأ» (فجر/۲۲) فرمان، عذاب و... را می‌آورند و شماری دیگر از اعتقاد خود در مقام ترجمه چشم می‌پوشند و به معنای لغوی آیه بسنده می‌کنند. این عده در ترجمه می‌نویسند: «بیاید پروردگار تو».

در موضوع عصمت پیامبران نیز وحدت رویه میان مترجمان دیده نمی‌شود. شماری در ترجمه «عصى آدم ربه» (طه/۱۲۱) و «لقد همت به و هم بها» (یوسف/۲۴) از اعتقاد به عصمت سود نمی‌برند.

اما در برگردان آیه *ليغفر لك الله ما تقدم من ذنبك...* (فتح/۲) تحت تأثیر باور خود آیه را ترجمه می‌کنند.

برای *يفه آية الله* مکارم در شمار مترجمانی است که ترجمه روش مندی - دست کم در این سری آیات - ندارد. ایشان در ترجمه آیه *ليغفر لك الله ما تقدم من ذنبك* (فتح/۲) از باور به عصمت سود می‌برد و در ترجمه می‌نویسد:

«تا خداوند گناهان گذشته و آینده‌ای را که به تو نسبت می‌دادند ببخشد».

اما در ترجمه آیات مشابه چون «لقد همت به و هم بها»، و «عصى آدم ربه» باورهای خود را در ترجمه دخالت نمی‌دهد.

در آیات مربوط به قیامت نیز اختلاف در برگردان کاملاً مشهود است؛ برای نمونه در ترجمه *فها تَقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ...* (بقره/۲۴) عده‌ای از مترجمان «الناس» و «الحجارة» را بتها، گنه‌کاران، کبریت، سنگهای خارا معنا می‌کنند و شماری دیگر از مترجمان تنها به معنای لغوی این واژه بسنده می‌کنند و به مصادیق این دو هیچ اشاره‌ای ندارند.

در آیات تاریخی قرآن نیز مترجمان وحدت رویه ندارند. برخی از دانسته‌های تاریخی خود در ترجمه بهره می‌برند و شماری آن دانسته‌ها را به مخاطب خود عرضه می‌دارند و شماری از دخالت دادن اطلاعات خویش و نمایش آن اجتناب می‌کنند؛ برای نمونه در ترجمه آیه شریفه «و لما اصابكم مصيبة قد اصابتم...» (آل عمران/۱۶۵)

آیه الله مکارم، فیض الاسلام و قمشه ای از دانسته های تاریخی خود سود می گیرند و عده ای چون مجتبوی و فولادوند تنها از يك دانسته در ترجمه استفاده می کنند.

در آیات الاحکام نیز یکنواختی در ترجمه دیده نمی شود؛ برای نمونه در حالی که گروهی از مترجمان در ترجمه آیه «فَلاتَتَّخِذُوا مِنْهُمْ اولیاء حَتّٰی یهاجروا..» (نساء/۸۹) بیشترین توضیحات را می آورند.

شماری دیگر هیچ نیازی به انتقال دانسته های فقهی خود نمی بینند و آیه را بدون هیچ گونه تصرفی معنا کنند. آیه الله مکارم در ترجمه آیه یاد شده می نویسد:

«از آنها دوستانی انتخاب نکنید مگر اینکه (توبه کنند و) در راه خدا هجرت نمایند. هر گاه از این کار سر باز زنند) و به اقدام بر ضد شما ادامه دهند (هر جا آنها را یافتید اسیر کنید! و) در صورت احساس خطر (به قتل رسانید)».

۱ . میر عمادی، علی، تئوریهای ترجمه و تفاوت ترجمه مکتوب با همزمان،

۶۳.

۲ . همان، ۶۷

۳ . همان، ۷۳

۴ . همان، ۷۴

۵ . همان، ۸۵

۶ . همان، ۱۱۴